

## صبر

ابوالفضل یغمایی

فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل؛<sup>۱</sup>

پس صبر کن آن‌گونه که پیامبران اولوا العزم صبر کردند.

### مفهوم‌شناسی

صبر در لغت به معنای شکیبایی و بردباری در برابر سختی‌ها و ناملایمت‌هاست<sup>۲</sup> و در اصطلاح علم اخلاق، ضد جَزَع، و به معنای ثبات، اطمینان و مضطرب نگشتن نفس در برابر بلا یا مصایب، و مقاومت آن در رویارویی حوادث و شداید است؛ به‌گونه‌ای که سینه‌اش تنگ نشود، خاطرش پریشان نگردد و گشادگی و آرامشی که پیش از بروز حوادث داشت از بین نرود، پس زبان خود را از شکایت نگاه دارد و اعضایش را از حرکات ناهنجار محافظت نماید.<sup>۳</sup>

### تفسیر آیه

در این آیه پیامبر ﷺ سفارش به صبر شده است. در حقیقت با بیان سختی‌های پیامبران اولوا العزم، رسول خدا ﷺ را دل‌داری داده و فرموده: ای پیامبر ﷺ! تو تنها نیستی که با مخالفت و عداوت کافران روبه‌رو شد، همه پیامبران اولواالعزم با این مشکلات روبه‌رو بودند و استقامت کردند؛ نوح ﷺ ۹۵۰ سال دعوت کرد و تنها گروهی به او ایمان آوردند، ابراهیم را به درون آتش

۱. احقاف، ۳۵.

۲. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۶۹۲.

۳. نراقی، معراج السعاده، ص ۷۲۷.

انداختند و موسی را تهدید به مرگ کردند و عیسی را خواستند بعد از آزار به قتل برسانند<sup>۱</sup> و اکنون نوبت به شما رسیده است. نمونه‌هایی از آیات مربوط به صبر در بحث ارزش صبر آمده است.

### پیام‌های آیه

۱. لجاجت و اذیت و آزار کفار، نسبت به پیامبر اسلام ﷺ به قدری بود که پیامبر به دلداری و تسلی و سفارش خداوند نیاز دارد (فاصبر کماصبر).
۲. توجه به کیفر کفار، زمینه‌ساز صبر و استقامت مؤمنان است (و یوم یعرض... فاصبر).
۳. انسان نیاز به الگو دارد و الگوها در رشد و سازندگی او نقشی مؤثر دارند (فاصبر کماصبر اولوا العزم...).
۴. همه انبیا در یک درجه نیستند (اولوا العزم من الرسل)؛ و صبر همه آنها یکسان نبوده است (کماصبر اولوا العزم).

### آیات و عناوین مرتبط

- آثار صبر:** آسانی: (بقره، ۴۵ و ۱۵۳)؛ اجتناب از اسراف: (فرقان، ۶۷ و ۷۵)؛ اجتناب از بخل: (فرقان، ۶۷ و ۷۵)؛ انفاق: (رعد، ۲۲)؛ ایمنی: (آل عمران، ۱۲۰)؛ استعانت: (هود، ۱۱۲ و ۱۱۵)؛ اقامه نماز: (آل عمران، ۲۰۰).
- آثار بی‌صبری:** حزن: (قلم، ۴۸)؛ خواری: (روم، ۵۸ و ۶۰)؛ سرزنش: (بقره، ۶۱)؛ شکست: (آل عمران، ۱۴۶)؛ محرومیت: (بقره، ۶۱).
- عوامل صبر:** آگاهی: (کهف، ۶۸)؛ استغفار: (غافر، ۵۵)؛ اعتقاد به معاد: (بقره، ۴۵ و ۴۶)؛ امانتداری: (معارج، ۲۰ و ۲۲ و ۳۲).
- مصادیق پاداش صابران:** بهشت: (بقره، ۱۵۵)؛ پیروزی: (آل عمران، ۱۴۶ و ۱۴۸)؛ تحیت: (فرقان، ۷۵)؛ جایگاه نیکو: (فرقان، ۷۵ و ۷۶)؛ رستگاری: (مؤمنون، ۱۱۱).

### ارزش صبر

مرتبه صبر از مراتب بلند و درجات عالی است. به واسطه صبر، بنده به جرگه مقربان درگاه احدیت راه می‌یابد. تا صبر نباشد رستگاری و وصال به معشوق غیرممکن است. ناز پرورده تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۷۷.

۲. قرآنی، تفسیر نور، ج ۱۱، ص ۵۱.

## فضائل اخلاقی: صبر / ۱۷۱

خداوند متعال بیشتر خیرات را به صبر نسبت داده و اکثر درجات بهشت را به آن متعلق فرموده و آن را در بیش از هفتاد مورد در کتاب خود بیان نموده است. اوصاف بسیاری را برای صابران ثابت کرده و صلوات و رحمت و هدایت<sup>۱</sup> را برایشان مقرر داشته و مؤدّه بودن خود را با ایشان به آنان رسانیده است<sup>۲</sup> و اجر آنها را بی حساب قرار داده است.<sup>۳</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «صبر نصف ایمان است»<sup>۴</sup>. و فرمود: «هر که بهره‌ای از یقین و صبر به او برسد، باک نداشته باشد از آنچه فوت شود از بیداری شب‌ها و روزه روزها»<sup>۵</sup>.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بر طایفه‌ای از انصار وارد شد و فرمود: آیا شما مؤمن هستید؟ همه ساکت شدند. مردی گفت: بلی یا رسول الله! حضرت فرمود: علامت ایمان شما چیست؟ گفتند: در حالت نعمت، شکر خدا را به جا می‌آوریم و در هنگام بلا و مصیبت صبر پیشه می‌کنیم و آنچه قضای پروردگار است به آن راضی هستیم. حضرت فرمود: به خدای کعبه قسم، که از مؤمنان هستید.<sup>۶</sup>

اخبار و احادیث در ارزش و فضیلت صبر بسیار است. گروهی از پیامبران مرسل، اولیای مقرب و مشایخ و اکابر دین، پیوسته جرعه مصیبت و بلا را سر می‌کشیدند و بر آن صبر می‌نمودند، آنان طالب بلا بودند تا بر آن صبر نمایند. صبر ایوب، یعقوب، یوسف، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام در میان مردم معروف است، به‌ویژه صبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: هیچ پیامبری مانند من اذیت نشد.

### اقسام صبر

در بسیاری از گفتار و نوشتار علمای اخلاق و بزرگان اسلام، صبر به سه قسم تقسیم شده است: ۱. صبر بر اطاعت، ۲. صبر بر معصیت، ۳. صبر بر مصیبت.

منظور از «صبر بر اطاعت»، ایستادگی در برابر مشکلات اطاعت فرمان خداست.

اطاعت فرمان الهی در نماز، روزه، حج، جهاد و ادای واجبات مالی، همانند: خمس و زکات و نیز صبر و شکیبایی در برابر مشکلات اطاعت اوامر استجابی که دامنه گسترده‌ای دارد.

۱. بقره، ۱۵۷.

۲. انفال، ۴۶.

۳. زمر، ۱۰.

۴. فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۱۰۶.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۰۷.

منظور از «صبر بر مصیبت»، ایستادگی در برابر شعله‌های سرکش شهوات و هیجان‌های برخاسته از هوا و هوس است که اگر چنین نباشد، طوفان شهوت و هوس‌ها تمام ایمان و تقوا و پاکی و صدق و صفا و... را از بین می‌برد.

و منظور از «صبر بر مصیبت»، آن است که انسان در طول زندگی، در برابر حوادث دردناکی، مانند: از دست دادن عزیزان، خسارت‌های عظیم مالی، به خطر افتادن آبرو و حیثیت اجتماعی، گرفتاری در چنگال بیماری‌های صعب‌العلاج و افتادن در دام دوستان نایاب و شرکای خائن و حکومت ظالم و گاه همسران فاسد و... صبر و شکیبایی را از دست ندهد.

گفتنی است صبر شاخه‌های فراوان دارد، ولی می‌توان همه آنها را به نوعی ذیل یکی از این اقسام سه‌گانه درآورد.

### انگیزه‌های صبر

۱. اظهار قوت نفس و اطمینان دل مقابل مردم، تا در نزد آنها پسندیده و قوی‌دل محسوب شود. همچنان‌که نقل شده: معاویه در مرض موت خود اظهار بشاشت و خرمی می‌نمود و از شکایت و ناله احتراز می‌کرد یا قاتل جنایت‌کاری را پس از جنایات فراوان به دار مجازات می‌کشیدند، او چون مردم اظهار خوش‌حالی می‌کرد؛ نه مضطرب بود و نه گریه می‌کرد و نه توبه و عجز و لابه. و این مرتبه صبر عوام است، که همین ظاهر زندگی دنیا را می‌شناسند و از عالم آخرت و حساب و کتاب آن غافلند.
۲. توقع ثواب و رحمت، و امید وصول به درجات رفیعه در خانه آخرت. این صبر زهاد و پرهیزکاران است. اشاره به این صبر است که فرمود: «إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»<sup>۱</sup>.
۳. بهجت و لذت یافتن به آنچه از جانب خدا وارد می‌شود؛ زیرا هرچه از دوست رسد نیکوست. و دوست، مشتاق التفات دوست است و از آن لذت می‌برد؛ اگرچه به امتحان کردن به بلا و ستم: یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد میان درد و درمان، وصل و هجران پسندم آنچه را جانان پسندد این صبر اهل محبت و معرفت است. اشاره به این مرتبه از صبر است که فرمود: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ»<sup>۲</sup>.

۱. زمر، ۱۰.

۲. بقره، ۱۵۴ - ۱۵۶.

در احادیث وارد است که حضرت امام محمد باقر (ع)، جابر بن عبدالله انصاری را دید که پیروی او را فرا گرفته، و مرض و ناخوشی‌ها بر او احاطه کرده، فرمود: «حال خود را چگونه می‌بینی؟» عرض کرد: فقر را از غنا دوست‌تر می‌دارم، و بیماری در نزد من از سلامتی محبوب‌تر است، و به مرگ رغبت بیشتری از زندگانی دارم. حضرت فرمود: «اما نزد ما اهل بیت، محبوب آن است که از خدا رسد هرچه باشد، فقر یا غنا، بیماری یا سلامتی، مرگ یا زندگی». جابر برخاست و میان دو چشم حضرت را بوسید و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله راست گفت آن‌جا که به من فرمود: ای جابر! به خدمت یکی از فرزندانم خواهی رسید که اسم او موافق اسم من است و حقیقت علم‌ها را بشکافد.<sup>۱</sup> (باقر یعنی شکافنده).

### صبر چگونه به دست می‌آید؟

یکم آن‌که، اخبار و احادیثی را که در فضیلت ابتلا در دنیا رسیده است، بسیار ملاحظه نماید و بداند که به ازای هر مصیبتی، محو گناه یا رفع درجه‌ای است، و یقین بداند که خیری نیست در کسی که به بلایی گرفتار نشود. مردی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: مال من برطرف شده است و بیماری به من روی آورده است! حضرت فرمود: «هیچ خیری نیست در بنده‌ای که مال او نرود، و جسمش بیمار نگردد. به درستی که خدا چون بنده‌ای را دوست دارد، او را مبتلا می‌سازد».<sup>۲</sup> و نیز آن حضرت فرمود: «گاه است خدا می‌خواهد بنده را به درجه‌ای برساند که با عمل هرگز به آن نمی‌رسد، تا جسم او به بلایی مبتلا نشود؛ پس خدا او را مبتلا می‌گرداند، تا به آن مرتبه برسد».<sup>۳</sup>

دوم این‌که، احادیثی را که در فضیلت صبر و حُسن عاقبت آن در دنیا و آخرت وارد شده، - چنان‌که شمه‌ای از آن گذشت - ملاحظه کند؛ و بداند که آنچه به واسطه صبر به او می‌رسد، بسیار بیشتر است از آنچه که به سبب بلا از او فوت می‌شود، و چیزی که بیشتر از چند روزی با او نمی‌بود، از دست او رفته، و به عوض آن، چیزی به وی داده شده که ابدآباد باقی خواهد بود. سوم آن‌که، متذکر شود که زمان مصیبت و بلا اندک، و وقت آن کوتاه است، و به‌زودی از آن رها می‌شود و به خانه راحت و استراحت می‌رود. حالی از حالات دنیا را بقایی، و آدمی را نیز

۱. نراقی، معراج السعاده، ص ۷۲۹ و نراقی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۸۵.

۲. فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۲۳۱ و غزالی، احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۱۴.

۳. فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۲۳۱ و غزالی، احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۱۴.

حیاتی معلوم نیست، و تا چشم بر هم زده، زمان محنت سر آمده و وقت رحلت رسیده و مصایب فراموش گشته است.

چهارم آن‌که، تأمل کند که بی‌صبری و جزع چه فایده‌ای می‌بخشد؛ زیرا هرچه که مقدر است، اتفاق می‌افتد، و جزع و فزع و داد و فریاد سودی نمی‌دهد، بلکه جزع، ثواب آدمی را ضایع، وقار او را ساقط می‌کند. شک نیست که هر کس در مصیبتی جزع کند، و بعد از چندی جزع و بی‌تابی را ترک نماید، اجر او ضایع نمی‌شود.

نقل شده است: پسر یکی از بزرگان درگذشت؛ شخصی به تعزیه‌داری وی آمد و گفت: «سزاوار عاقل آن است که امروز چنان کند که جاهل بعد از پنج روز دیگر خواهد کرد - یعنی: امروز ترک بی‌تابی کند».<sup>۱</sup> حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «اگر صبر کنی، آنچه مقدر الهی است، خواهد شد و تو ثواب خواهی داشت؛ و اگر جزع نمای، باز مقدر الهی خواهد شد و برای تو وژر و وبال خواهد بود».<sup>۲</sup>

پنجم آن‌که، هر مصیبتی که به او رسید، بدانند هر روزی که می‌گذرد، اندکی از آن گذشته است، و تا نگاه می‌کند، همه آن رفته و او غافل است.

ششم آن‌که، ملاحظه احوال کسانی را کند که به بلای عظیم‌تر از بلای او گرفتار شدند، و مصیبتی شدیدتر به ایشان روی داد؛ پس شکر الهی را به‌جای آورد.

هفتم آن‌که، بدانند مصیبت و ابتلای او دلیل فضل و سعادت اوست، و رنج و محنت وی نشانه قرب و عزت او.

هرکه در این بزم، مقرب‌تر است جام بلا، بیشترش می‌دهند هشتم آن‌که، بدانند آدمی به واسطه ریاضت و مصایب و زحمت، تکمیل می‌شود و استقامت حاصل می‌گردد، و از جهت او اطمینان و سکون به‌هم می‌رسد، و دلش قوی می‌گردد.

نهم آن‌که، متذکر گردد که به تجربه رسیده و در اخبار و آثار ثابت شده است بعد از هر غمی، شادی، و در عقب هر محنتی، راحتی است، و هر رنجی را گنجی در پی، و هر خاری را گلی همراه است: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا».

در نومیدی بسی امید است      پایان شب سیه، سفید است

۱. فیض کاشانی، *المحجة البيضاء*، ج ۷، ص ۲۳۴ و *غزالی، احیاء العلوم*، ج ۴، ص ۱۱۶.

۲. *نهج البلاغه*، حکمت ۲۸۳.

دهم آن که، به یاد آورد که این محنت از سوی پروردگار خالق اوست، که دوست‌ترین از هرکس نسبت به اوست، و یقیناً به جز خیر و صلاح وی را نمی‌خواهد، و عقل بنده از ادراک عاقبت کارها کوتاه است.

یازدهم آن که، بداند بنده خوب خدا آن است که به آنچه مولا نسبت به او به‌جای آورد، راضی و خشنود باشد. از شرایط محبت آن است که، هرچه محبوب بر او بیسندد، از آن دلشاد گردد، و به رضای دوست خود تن در دهد، و اگر شمشیر بر وی کشد، گره بر جبین نیفکند و بگوید:

در دایره قسمت، ما نقطه تسلیمیم رأی، آنچه تو اندیشی، حکم، آنچه تو فرمایی

دوازدهم آن که، تتبع نماید در احوال مقربان و باریافتگان درگاه ربوبیت، از انبیا و اولیا و زمره سعادت‌مندان و ابتلای ایشان، و صبر و توانایی آنها را ملاحظه کند؛ زیرا ملاحظه آنها انگیزه خوبی برای رغبت به صبر، و استعداد نفس برای صبر می‌شود.<sup>۱</sup>

### آثار صبر

آثار صبر در قرآن بسیار زیاد است. آسان‌شدن سختی‌ها،<sup>۲</sup> دریافت امدادهای الهی،<sup>۳</sup> توفیق انجام عمل صالح،<sup>۴</sup> اطاعت‌کردن از خدا<sup>۵</sup> و رسول،<sup>۶</sup> اجتناب از باطل،<sup>۷</sup> اجتناب از طغیان،<sup>۸</sup> پاک‌دامنی،<sup>۹</sup> تقوا،<sup>۱۰</sup> ثبات قدم،<sup>۱۱</sup> جلب دوستی خدا،<sup>۱۲</sup> درک صحیح،<sup>۱۳</sup> بهره‌مندی از رحمت خدا،<sup>۱۴</sup>

۱. نراقی، معراج السعاده، ص ۷۳۸ - ۷۴۰.

۲. بقره، ۴۵ و ۱۵۳.

۳. بقره، ۱۵۳.

۴. عنکبوت، ۵۸ - ۵۹.

۵. انفال، ۴۶.

۶. بقره، ۱۵۳.

۷. فرقان، ۷۲ و ۷۵.

۸. هود، ۱۱۲ و ۱۱۵.

۹. نساء، ۲۵.

۱۰. اعراف، ۱۲۸.

۱۱. بقره، ۲۵۰.

۱۲. آل عمران، ۱۴۶.

۱۳. قصص، ۷۹ - ۸۰.

۱۴. نحل، ۱۱۰.

ایمنی<sup>۱</sup> و پیروزی<sup>۲</sup> بخشی از آن آثار است. و در روایات معصومان - علیهم‌السلام - هم آثار و فوایدی برای صبر و پایداری ذکر شده است که علاقه‌مندان می‌توانند به کتب روایی رجوع کنند.

## حکایت

### ۱. مرگ جوان

سدیدالدین محمد عوفی می‌نویسد: آورده‌اند که در عهد گذشته قاضی‌ای بود و پسری داشت جوان و عالم و متقی. از اتفاق آن جوان مُرد و پدر در وفات او می‌سوخت و جزع بسیار می‌کرد و هیچ نوع صبر و سکون در دل او جای نمی‌گرفت و نیز به مجلس قضاوت نمی‌نشست و کارهای مسلمانان بلامتکلیف می‌ماند.

یک مسیحی به نزد او آمد و گفت: از قاضی مسلمانان سئوالی دارم. قاضی گفت: بپرس. مسیحی گفت: چند سال است تو قاضی هستی؟ گفت: پنجاه سال. گفت: اگر تو پیکری بفرستی به نزدیک یکی از عوام و او به نزدیک تو نیاید و حکم تو را گردن نهد تو روا داری؟ قاضی گفت: نه. مسیحی گفت: ای قاضی! آفریدگار تو فرزندی داده بود و حکم خویش بر وی نافذ گردانیده؛ یعنی پیک مرگ را به سوی او فرستاد و جانش را گرفت، چرا به قضای او رضا نمی‌دهی؟ قاضی از این سخن متنبه گشت و در مجلس قضا نشست و صبر و سکون یافت.<sup>۳</sup>

### ۲. گشایش بعد از صبر

یگانه پسر زنی بینوا به سفر رفته بود و سفرش طولانی شد. او سخت نگران شده بود. حضور امام صادق علیه‌السلام آمد و گفت: پسرم به مسافرت رفته و سفرش بسیار طول کشیده و هنوز برنگشته و نگرانم. امام فرمود: ای خانم! صبر کن. آن بانو رفت و پس از چند روز انتظار دوباره خدمت امام علیه‌السلام رسید و عرض کرد: پسرم هنوز نیامده است. امام علیه‌السلام فرمود: مگر نگفتم صبر کن؟ گفت: صبرم به آخر رسیده و دیگر تاب و توان ندارم! امام علیه‌السلام فرمود: برو خانه، پسرت آمده است. او سراسیمه رفت و دید پسرش از سفر آمده است. خوش حال شد و با خود گفت مگر بر امام علیه‌السلام وحی نازل می‌شود، او از کجا فهمید که پسرم آمده است؟ نزد امام علیه‌السلام رفت و موضوع را مطرح

۱. آل عمران، ۱۲۰.

۲. بقره، ۲۴۹.

۳. همان، ص ۲۴۲.



کرد. امام فرمود: من این خبر را از یکی از گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دست آوردم که فرمود: هنگامی که صبر انسان به پایان رسید گشایش کار او فرا می‌رسد.<sup>۱</sup>

### ۳. صبر بر اذیت

شیخ ابوعلی ثقفی همسایه‌ای کبوترباز داشت. کبوتران وی بر بام خانه شیخ می‌نشستند و خود برای پرواز دادن کبوتر پیوسته سنگ پرتاب می‌کرد و شیخ از این رو در اذیت بود. روزی شیخ در خانه خود نشسته بود و قرآن می‌خواند. همسایه به قصد کبوتران سنگی پرتاب کرد و سنگ بر پیشانی شیخ خورد و پیشانی او شکست و خون جاری شد. اصحاب شاد شدند و گفتند: فردا شیخ نزد حاکم شهر خواهد رفت و دفع شر کبوترباز را خواستار خواهد شد و ما از زحمت او آسوده می‌شویم. شیخ خدمت کار را بخواند و گفت: به باغ برو و شاخی از درخت بیاور. رفت و شاخه‌ای آورد. شیخ گفت: اکنون این چوب را نزد کبوترباز ببر و بگو: از این پس کبوتران خود را با این چوب پرواز بدهد و سنگ نیندازد.<sup>۲</sup>

### شعر

جدا شد یکی چشمه از کوهسار	به ره گشت ناگه به سنگی دچار
به نرمی چنین گفت با سنگ سخت	کرم کرده راهی ده ای نیکبخت
جناب اجل کش گران بود سر	زدش سیلی و گفت: دور ای پسر
نجنییدم از سیل زور آزمای	که ای تو که پیش تو جنم زجای
نشد چشمه از پاسخ سنگ، سرد	به کندن در استاد و ابرام کرد
بسی کند و کاوید و کوشش نمود	کز آن سنگ‌خارا رهی برگشود
ز کوشش به هر چیز خواهی رسید	به هر چیز خواهی کماهی رسید
برو کارگر باش و امیدوار	که از یأس جز مرگ نامت بیار
گرت پایداری است در کارها	شود سهل پیش تو دشوارها <sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۲۴۹.

۲. همان، ص ۲۵۲.

۳. محمدی، هزار و یک حکایت اخلاقی، ص ۲۴۶.